



لرد «جرج ناتانیل کرزن» از جمله سیاستمداران و مستشرقانی است که تا مقام وزارت امور خارجه انگلستان نیز ارتقا یافت و لقب لرد نیز دریافت کرد.^[۱]نگاه ویژه وی به شرق سبب نگارش کتبی در این حوزه نیز شد که شاید آنچه در این میان دارای اهمیت بیشتری باشد کتبی از وی با عنوان «ایران و قضیه ایران» باشد. کرزن به واسطه یک مساله دیگر نیز در میان ایرانیان شناخته شده یا شاید بتوان عنوان کرد منفور است. براساس اسناد تاریخی لرد کرزن نقش اساسی در وزارت خارجه انگلستان در زمینه پافشاری بر انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ میان ایران و انگلستان داشته و در این زمینه نام وی در تاریخ ثبت شده است. جهانگردی، پیشه کرزن پیش از حضور وی در مناصب رسمی انگلستان بود و از خلال این جهانگردی‌ها مقالات متعددی به نام وی در روزنامه «تایمز» لندن به چاپ رسید و بعدها مبنای کتب وی نیز شد. حضور در مجلس اعیان انگلستان از دیگر مناصبی بود که کرزن آن را تجربه کرد. سرانجام این سیاستمدار بریتانیایی بیستم مارس ۱۹۲۵ بر اثر بیماری در ۶۶ سالگی در گذشت. همواره از وی به عنوان یکی از سیاست‌گذاران اصلی در وزارت خارجه انگلستان یاد می‌شود اما در مجموع باید عنوان کرد کرزن از جمله شخصیت‌هایی است که چهره وی در هاله‌ای از ابهام در ایران باقی مانده است.

■ **ایران در آینه اندیشه کرزن**

جالب است که نخستین سفر کرزن به ایران در قامت خبرنگار و ژورنالیست رقم خورده؛ کرزن خود

علی نصیری، می‌توان نقاط اشتراک و افتراق قرآن و کتساب مقدس را در ۳ محور اصلی بررسی کرد که عبارتنداز:

۱- «منشأ نزول»، ۲- «ماهیت نزول» و ۳- «ماهیت متن».

۱- **منشأ نزول**

ظاهراً میان مسلمانان و مسیحیان از این جهت که هر یک منشأٔ صدور کتاب آسمانی خود را خداوند می‌دانند، اختلافی وجود ندارد. بر این اساس، پیروان هر ۲ دین، کتاب خود را آسمانی می‌دانند و برای آن قداست خاصی قائلند یا این تفاوت از مسلمانان قرآن را عین کلام الهی می‌دانند اما مسیحیان عموماً کتاب مقدس را نه لفظ کلام الهی، بلکه حامل مضامین و محتوای پیام‌های الهی می‌شمرند. هرچند چنان که گذشت، شماری بس اندک از مسیحیان درباره کتاب مقدس همان عقیده‌ای را ابراز کرده‌اند که مسلمانان دربارهٔ قرآن معتقدند. این اندیشهٔ چنان که اکثر متکلمان مسیحی گفته‌اند، با حقایق تاریخی و مشکلات موجود در متن کتاب مقدس ناسازگار است.

۲- **ماهیت نزول**

مسلمانان از آنجا که معتقدند تمام حروف، کلمات، جملات و آیات قرآن با شکل کنونی و چنین فعلی و با زبان عربی بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وحی شده، برای سرتاسر قرآن ماهیتی آسمانی و قداستی خاص قائلند و معتقدند از تمام حروف، کلمات و جملات قرآن و نوع چینش آنها، بر اساس موازین و قواعد تفسیر می‌توان پیام‌ها و آموزه‌های الهی را استخراج کرد بنابراین نزول قرآن را مبنی بر وحی آسمانی می‌دانند و وحی شیوایی است مخصوص که خداوند از رهگذر آن کلام خود را منحصرآبه پیامبران می‌رساند اما مسیحیان (به استثنای شماری اندک) بر این اعتقادند هیچ‌یک از بخش‌های کتاب مقدس سخن مستقیم خداوند یا گفتار مستقیم پیامبران نیست. حتی بخش‌های اصلی‌تر یعنی تورات یا انجیل چهار گانه به ترتیب به وسیله موسی یا عیسی علیهماالسلام تدوین نشده است. افزون بر این، حتی بر این باورند این کتاب‌ها زمان حیات پیامبران و با اشراف آنان فراهم نیامده است؛ چه، بر این باورند متن کتاب مقدس شامل عهد عتیق و عهد جدید طی ۱۵۰۰ سال به‌وسیله نویسندگان بشری آن هم تحت تأثیر زبان، وضعیت و مقتضیات است مخصوص که خداوند با الهام الهی فراهم می‌شد؛ بدین جهت می‌پذیرند متن اولیه کتاب مقدس به زبان‌های گوناگون فراهم آمده است، بنابراین پدیده گسست کامل میان کتیب مقدس

درباره لرد جرج کرزن و رویکرد نظری و عملی بریتانیا به شرق

روزگار سلطه مطلق انگلیس بر ایران

- محمداسماعیل‌شیخانی

■ **کرزن و قرارداد ۱۹۱۹**

اوج فعالیت استعماری کرزن در باب ایران را باید در قضیه قرارداد ۱۹۱۹ میان «وئوق‌الدوله» و سر «پرسی کاکس» جست‌وجو کرد. انتصاب لرد کرزن به وزارت امور خارجه انگلیس در این میان تحولی اساسی بود تا وی تمام ایده‌هایی را که درباره ایران داشت، پیاده کند. کرزن که قبل از این به کمیته ایران – شعبه‌ای از کمیته وزارت خارجه انگلیس – دستور داده بود سیاست جدید انگلیس در برهه ایران را تدوین کند، اکنون فرصت ایده‌آلی یافته بود تا سیاست مستعمره‌سازی ایران را عملی کند. کرزن در این برهه براساس سیاست مصوب دستگاه سیاست خارجی انگلستان به دنبال آن بود که روش و نظام مستشاری را جایگزین قیمومت مستقیم انگلستان بر ایران کند، زیرا عملاً در این زمان انگلستان نمی‌توانست به صورت مستقیم بر ایران سلطه داشته باشد. مذاکرات میان انگلستان و وئوق‌الدوله البته به صورت محرمانه دنبال شد.۶ در تمام این مذاکرات که کرزن به صورت مستقیم بر آن نظارت داشت، ایجاد نظام مستشاری کامل انگلستان در ایران به عنوان یک هدف اصلی از سوی مذاکره‌کنندگان دنبال می‌شد. مذاکره‌کنندگان انگلیسی از فترت میان مجلس سوم و چهارم ایران نهایت استفاده را بردند و مذاکرات را در منطقه‌ای به نام «پس‌قلعه» که فرسخ‌ها از مرکز شهر تهران دور بود، دنبال کردند. تا از این طریق رسانه‌ها و مطبوعات، بویی از مذاکرات نبرند. قرارداد ۱۹۱۹ منظر انگلیسی‌ها و لرد کرزن، ایران را تبدیل به سایه و بدلی از دولت انگلستان می‌کرد که در تمام امور اقتصادی و مالی، کاملاً تحت سلطه انگلستان بود.

■ **نتیجه‌گیری**

کرزن درباره شرق به صورت عام و درباره ایران به صورت خاص یک ایده اساسی داشت و آن هم این بود که شرق و ایران باید به صورت کامل زیر سلطه انگلستان باشند و به معنای واقعی تبدیل به مستعمره انگلستان شوند. کرزن به صورت پلکاتی به این تئوری رسیده بود. وی ابتدا در قامت خبرنگار و ژورنالیست به عهده کشورهای منطقه سفر کرده بود و از نزدیک اوضاع و شرایط آنها را سنجیده بود و در این میان به این نتیجه رسیده بود که انگلستان باید از سویی رقیبی قدر به نام روسیه را از میدان خارج کند

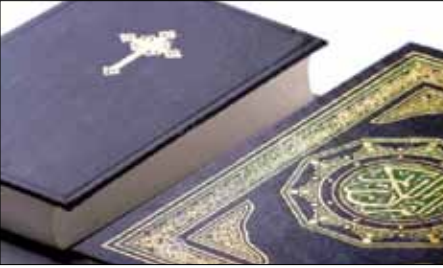
■

نقاط اشتراک و افتراق قرآن و کتاب مقدس

این کجا و آن کجا؟!

با براهین عقلی تناقض وجود دارد؟! و چرا متکلمان مسیحی با دستی لرزان از تأثیر حالات دریافت‌کنندگان این الهام، محدودیت‌های ذهنی، وضعیت و مقتضیات زبانی و محیطی آنان سخن به میان آورده‌اند؟! با چنین فرض‌هایی دیگر چگونه می‌توان حتی مضامین کتاب مقدس را از آن خداوند دانست؟!

۳- ملاک و معیار اعتبار و حجیت چنین الهامی که مبنای تلقی آسمانی دانستن کتاب مقدس است، چیست؟ به عبارت روشن‌تر، اعتبار الهام از چه راهی قابل اثبات است. اگر از راه کتاب مقدس باشد که دور لازم می‌آید، زیرا فرض آن است که خود کتاب مقدس از رهگذر الهام به ما رسیده است، بنابراین خود نمی‌تواند



اعتباردهنده به الهام باشد، و اگر از راه عقل باشد، عقل چگونه می‌تواند از اعتبار امری که ماهیت آن ناشناخته است، دفاع کند؟!

۴- یسنا به ادعای متکلمان مسیحی، بسیاری از دریافت‌کنندگان الهام روح‌القدس ناشناخته بوده و نام و اثری از آنان در تاریخ برجا نمانده است. در این صورت، ما بر اساس چه مینا و معیاری می‌توانیم صحت و درستی ادعای آنان مبنی بر دریافت و الهام الهی را اثبات کنیم. آیا صرف آنکه در سده پانزدهم بزگان کلیسا بر درستی شماری از متون بر جای مانده از گذشته، صحه گذاشته‌اند، به رغم پذیرش واقعیت مجهول بودن هویت گردآوردنگان عموم بخش‌های کتاب مقدس حتی برای این میان متأهلمان مسیحی اختلاف وجود دارد؟ و به طور مثال، چرا به استناد برخی انجیل، نظریه تثلیث تثبیت و به استناد برخی دیگر این نظریه نفی شده است و چرا گاه میان آموزه‌های کتاب مقدس با آموزه‌های علمی

سده‌شنبه ۹ مرداد ۱۳۹۷

روزنه

از مکانیسم ماشه

تاکشایت به دیوان لاهه

فخرالدین اسدی: شکایت جمهوری اسلامی ایران از اقدام دولت آمریکا در خروج از توافق هسته‌ای به دادگاه لاهه، از ابعاد مختلف قابل تحلیل و بررسی است. این شکایت در حالی انجام شده است که به دلیل تعبیه «مکانیسم ماشه» در برجام و دیگر بندها و مفاد گنجانده‌شده در این توافق، عملاً امکان ارائه این شکایت به کمیسیون مشترک برجام‌وجودنداشت. شکایت ایران از ایالات متحده به کمیسیون مشترک برجام، در نهایت منجر به بازگشت خودکار تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت علیه کشورمان می‌شود. در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، اگر یکی از اعضای دائم شورای امنیت، مخالف ادامه تعلیق تحریم‌ها (و اساساً مخالف برجام) باشد، می‌تواند با استفاده از حق وتوی خود، تحریم‌ها را علیه ایران بازگرداند. در بند ۱۱ قطعنامه ۲۲۳۱ آمده است: «اگر یکی از دولت‌های طرف برجام درباره هر مسأله‌ای که مصداق عدم پایبندی اساسی به برجام است اعلام‌یهای صادر کند، ادامه اجرای بند ۷ یعنی ادامه اجرای لغو قطعنامه‌های لغو‌شده، باید ظرف ۳۰ روز مجدداً در شورای امنیت به رای گزاره شود». در ادامه و در بند ۱۲ نیز تصریح شده است: «اگر ظرف ۳۰ روز از اعلام رسمی دولت مزبور درباره نقض اساسی برجام، شورای امنیت نتواند به تصویب یک قطعنامه جدید مبنی بر ادامه لغو قطعنامه‌های قبلی برسد، آن‌گاه از روز سی و یکم تمام قطعنامه‌های قبلی مجدداً جاری گردیده و اجرای آنها همان‌طور که قبل از صدور قطعنامه ۲۲۳۱ ساری و جاری بود، از سر گرفته می‌شود». همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در متن توافق هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، عملاً سازوکاری برای «شکایت ایران» نسبت به «عهدشکنی طرف‌های مقابل» در نظر گرفته نشده است.

■ **شکایت ایران به دادگاه لاهه**

چندی پیش، «محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه کشورمان اعلام کرد: «ایران به دیوان دادگستری بین‌المللی شکایت کرد تا آمریکا را به دلیل اعمال آ‌مجداً غیرقانونی تحریم‌های یکجانبه پاسخگو کند. ایران در مواجهه با اهانت آمریکا به دیپلماسی و تعهدات قانونی، به حاکمیت قانون متعهد است. لزوم است با عداوت نقض قوانین بین‌المللی توسط آمریکا مقابله شود».اخیراً نیز رئیس دیوان دادگستری لاهه، درباره بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران به «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا نامه داد تا از هرگونه «اقدام جدید» اجتناب کرده و طوری رفتار کند که آثار تصمیمات آتی دیوان درباره درخواست‌های ایران را خدشه‌دار نکند. موضوع دادخواست ایران نیز به دادگاه لاهه مشخص است؛ اینکه اقدام آمریکا در برگرداندن تحریم‌های یک‌جانبه‌برخلاف تعهدات بین‌المللی دولت آمریکا در عهدنامه سال ۱۳۳۴ است. به موجب این عهدنامه آمریکا متعهد شده بود با توافق ایرانی رفتار منصفانه داشته باشد و مانع سرارادات پولنی و بانکی نشود.همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این شکایت عطف به «برجام» و سند توافق هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد نیست بلکه معطوف به تعهدی سابق از سوی دولت ایالات متحده است. بر این اساس دادگاه لاهه می‌تواند از دولت آمریکا بخواهد تا به عنوان یک «امر فوری»، وضع مجدد تحریم‌ها علیه ایران را متوقف کند. اما سوال

اصلی اینجاست: آیا دولت ایالات متحده نسبت به رای دادگاه لاهه که بیست و هفتم آگوست/شهریورماه صادر می‌شود، متعهد خواهد بود؟ رئیس دیوان لاهه با توجه به فوبیتی که موضوع شکایت ایران از ایالات متحده داشته است، (با استناد به ماده ۷۴ قواعد دیوان بین‌المللی دادگستری) اعلام کرده است: «توجه دولت آمریکا را به این ضرورت جلب می‌کند که باید در زمینه مورد دعوا (بازگشت تحریم‌ها) طوری عمل کند که آرای آتی دیوان که بعد از جلسه ۲۷ آگوست صادر خواهد شد، بلاثر نشود». تاکنون مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا و متعاقباً دیگر مقامات آمریکایی سخنی درباره نامه دادگاه لاهه به میان نیاوردند.

اگرچه ایران در دادخواست تقدیمی خود برای اثبات صلاحیت دیوان به پاراگراف ۲ ماده ۲۲ معاهده مودت ۱۹۵۵ ایران و آمریکا استناد کرده است اما نباید این حقیقت را نیز فراموش کرد که حتی در صورت الزام‌آور بودن رای دادگاه لاهه، امکان استتکاف دولت آمریکا از این موضوع کاملاً وجود دارد. دولت آمریکا نه‌تنها در طول سال‌های اخیر، بلکه در طول سال‌های پس از جنگ دوم جهانی نشان داده است ابایی از تقابل با نهادهای بین‌المللی (در صورتی که اقدامی مخالف واشنگتن انجام دهند) ندارد. در واقع اگر قرار بود آمریکا به تعهدات و قوانین بین‌المللی پایبند باشد، اینگونه برجام را زیر پا نمی‌گذاشت. منبع:بصیرت